

نظریه حرکت متقابل - سازماندهی مجدد:

این تئوری مشکلات ارتباطی و اجتماعی افراد اتیسم را با مبنا قرار دادن تاخیر یا نقص در درک متقابل² توصیف می نماید و جنبه های قوی فرد را نیز با مبنا قرار دادن مهارت بی عیب و عالی در طبقه بندی توصیف می نماید(1). مطابق با این نظر اکثریت انسانها مطابق با اجزا درک متقابل به آسانی می توانند وضعیت ذهنی خود یا فرد دیگر را درک نمایند. شناخت وضعیت ذهنی به وجود یک خصیصه (در این ویژگی عاملی از وضعیت ذهنی که قابل مشاهده نیست مدنظر قرار می گیرد) و یا شناخت مجدد(به عنوان مثال وضعیت ذهنی نشانه ای را از خود در بیان پوسجری، صورتی و یا آوایی بروز می دهد) قرار دارد. فراموشی³ دومین جز درک متقابل می باشد. عنصر پاسخ عکس العمل عاطفی مناسب به عواطف و تفکرات فرد دیگر را در خود دارد که به آن حرکت متقابل عاطفی⁴ گفته می شود(2). در ضریب همدلی⁵ پاسخنامه ای توسط فرد بزرگسال در مورد وضعیت خود و توسط سرپرست در مورد وضعیت کودکان پر می شود که به وسیله ای این پرسشنامه درک متقابل شناختی و عاطفی مورد ارزیابی قرار می گیرد. در این مقیاس کودکان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم نمره ای کمتری را نسبت به گروه کنترل به دست می آورند. نظریه ای درک متقابل - سازماندهی مجدد در مورد کودکان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم هم پایین تر از میانگین بودن درک متقابل را شرح می دهد و هم بالا بودن آنها در دومین عامل روانشناختی یعنی سازماندهی مجدد را نیز توضیح می دهد و ادعا می کند که کودکان اتیسم در این مهارت در حد میانگین و یا بالاتر از حد میانگین هستند. و این اختلاف بین ضریب درک متقابل و سازماندهی مجدد وضعیت رشد در طیف اتیسم را نشان می دهد.

برای درک بهتر این تئوری نیاز داریم که دومین عامل این تئوری یعنی سازماندهی مجدد را شرح دهیم. سازماندهی مجدد به سیستم های تجزیه تحلیل و ترکیب تقسیم می شود و می تواند هر نوع سیستمی باشد. هر سیستمی دارای اصول خاص خود می باشد و هنگام سازماندهی تلاش می کنیم تا قوانین حاکم بر سیستم را شناسایی نماییم تا متوجه شویم که آن سیستم چگونه رفتار می کند(3). تعدادی از سیستم های عمده عبارتند از: سیستم های قابل جمع آوری⁶ مانند تمایز مابین انواع سنگ ها، سیستم های مکانیکی مانند یک ضبط کننده ی ویدیویی، سیستم های شماره ای⁸ مانند ساعت رو میزی، سیستم های انتزاعی⁹ مانند نحو زبان، سیستم های طبیعی¹⁰ مانند الگوهای امواج، سیستم های اجتماعی¹¹ مانند مدیریت سلسله مراتبی و سیستم های حرکتی¹² منابع:

1-Baron-Cohen, S. (2003). The Essential Difference: Men, Women and the Extreme Male Brain. London: Penguin.

2-Davis, M. H. (1994). Empathy: A social psychological approach. Boulder, CO: Westview Press.

3-Baron-Cohen, S., Hoekstra, R. A., Knickmeyer, R., & Wheelwright, S. (2006). The Autism-Spectrum Quotient (AQ)-Adolescent version. J. Autism Dev. Dis., 36, 343-350.

¹ -The Empathizing-Systemizing

² -Empathy

³ -Missing

⁴ - affective Empathy

⁵ -Empathy Quotient (EQ)

⁶ - collectible systems

⁷ - mechanical systems

⁸ - numerical systems

⁹ - abstract systems

¹⁰ - natural system

¹¹ - social systems

¹² - motoric systems